

وزیر نفت:

پیشنهاد ایران برای تغییر مدل تجاری صادرات گاز به ارمنستان



تجاری نوین در صادرات گاز است که مستلزم بررسی زیرساخت هاست تا تجارت گاز را فراتر از کشور ارمنستان ولی با وساطت ارمنستان دنبال کنیم.

وی در پایان با اشاره به پیچیدگی‌های فنی و ساختاری این مدل جدید، بر ضرورت تشکیل کارگروه تخصصی مشترک تأکید کرد تا این موضوعات به صورت کارشناسی و با دقت بالا پیگیری شوند.

وزیر نفت با پیشنهاد بازتعریف مدل تجاری صادرات گاز به ارمنستان، بر تبدیل ارمنستان به واسطه تجاری گاز در ابعادی فراتر از مرزهای این کشور تأکید کرد.

به گزارش مهر، محسن پاک نژاد وزیر نفت در جمع خبرنگاران، بر اهمیت تعمیق روابط دو جانبه میان ایران و ارمنستان در حوزه انرژی تأکید کرد و از ظرفیت‌های گسترده موجود برای همکاری‌های دوجانبه خبر داد.

وی با اشاره به حمایت‌های ارزشمند ارمنستان از ایران در روزهای سخت، خاطرنشان کرد که ایران نیز با نگاهی مسئولانه، به دنبال بازگشت و گسترش این کمک‌ها در عرصه‌های مختلف است.

پاک‌نژاد تأکید بر زمینه‌های همکاری، حوزه‌های صادرات خدمات فنی-مهندسی به‌ویژه در زمینه احداث پالایشگاه‌ها و تأمین نیاز ارمنستان به فرآورده‌های نفتی را از اولویت‌های اصلی دو کشور برشمرد.

وزیر نفت همچنین بر ضرورت ارتقای مدیریت منطقه‌ای و بهبود زیرساخت‌های انرژی در ارمنستان تأکید کرد و خواستار تسریع در تشکیل کمیته تخصصی شد تا در جلسات آتی، دستاوردهای ملموس این اقدامات مورد بررسی قرار گیرد.

پاک نژاد در ادامه به تغییر رویکرد در تجارت گاز اشاره و اظهار داشت: در حال حاضر مبادلات ما بر پایه تهاوت گاز و برق است؛ اما پیشنهاد ما، تعریف یک مدل

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان:

آمادگی کامل برای بازگشایی مدارس در اول مهر را داریم

پروژه مهر را بدون توجه به شایعات درباره آموزش غیر حضوری با جدیت دنبال کنند و آمادگی کامل برای بازگشایی مدارس را در اول مهر داشته باشند.

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان با اشاره دوباره به حضوری بودن آغاز سال تحصیلی جدید عنوان کرد: «تا این لحظه هیچ برنامه‌ای برای برگزاری آموزش مجازی یا غیر حضوری وجود ندارد».

فرح‌بخش تصریح کرد: «حتی در جنگ تیرماه در روزهایی که برخی استان‌ها با شرایط ویژه مواجه بودند، سیاست وزارت آموزش و پرورش استمرار فعالیت‌های آموزشی بود و تنها تعداد محدودی از امتحانات با تغییر زمان برگزاری مواجه شدند، این رویکرد نشان می‌دهد که آموزش و فعالیت مدارس نباید به هیچ بهانه‌ای متوقف شود یا به تعویق داشته باشند».

او ابراز داشت: «مدیران نباید تحت تأثیر شایعات یا گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آموزش غیر حضوری قرار گیرند، زیرا هرگونه سستی در اجرای پروژه مهر، مشکلات متعددی از جمله تأخیر در ثبت‌نام دانش‌آموزان، ساماندهی کلاس‌ها، ابلاغ همکاران و سایر فرآیندهای آغاز سال تحصیلی را به دنبال دارد».

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان با بیان اینکه اول مهر از آنچه تصور می‌کنیم نزدیک‌تر است، از مدیران خواست از فرصت باقی‌مانده برای آماده‌سازی مدارس، تکمیل ثبت‌نام‌ها، ثبت سفارش کتاب‌های درسی، ساماندهی نیروی انسانی و بررسی وضعیت کلاس‌ها و مدارس نهایت استفاده را ببرند.

وی همچنین با اشاره به شاخص‌های ارزیابی پروژه مهر گفت این شاخص‌ها ابزاری برای سنجش میزان اشراف مدیران بر امور جاری است و هم‌سنجی‌ها نشان می‌دهد هر منطقه تا چه اندازه بر فرآیندهایی مانند ثبت‌نام، سفارش کتاب، ساماندهی نیروی انسانی و سایر اقدامات ضروری تسلط دارد.

فرح‌بخش همچنین خلق منابع پایدار را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های آموزش و پرورش و با تأکید بر اینکه در حال حاضر هیچ‌گونه برنامه‌ای برای آموزش مجازی وجود ندارد، افزود: «ضرورت دارد مدیران و روسای آموزش و پرورش و مدیران مدارس تمام اقدامات



مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان با تأکید بر حضوری بودن آغاز سال تحصیلی جدید گفت که هیچ برنامه‌ای برای آموزش مجازی وجود ندارد و مدارس استان از اول مهر با آمادگی کامل بازگشایی می‌شوند.

به گزارش «کرمان‌نو»، مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان گفت: «روسای آموزش و پرورش و مدیران مدارس تمام اقدامات پروژه مهر را بدون توجه به شایعات درباره آموزش غیر حضوری با جدیت دنبال کنند و آمادگی کامل برای بازگشایی مدارس در اول مهر را داشته باشند».

محمد رضا فرح‌بخش در گردهمایی مدیران و روسای آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق استان با محوریت پروژه مهر اظهار کرد: «پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای آموزش حضوری در سال تحصیلی جدید است و اجرای پروژه مهر ۱۴۰۵ با محوریت ثبت‌نام دانش‌آموزان، ساماندهی نیروی انسانی و آماده‌سازی و شاداب‌سازی مدارس در استان شتاب گرفته است».

او با تأکید بر اینکه در حال حاضر هیچ‌گونه برنامه‌ای برای آموزش مجازی وجود ندارد، افزود: «ضرورت دارد مدیران و روسای آموزش و پرورش و مدیران مدارس تمام اقدامات

سخنگوی وزارت صمت:

واردات خودروی نو فقط توسط اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است



تعیین شده در مقررات، در خارج از کشور اقامت داشته و خودرو به نام آنها ثبت شده باشد، می‌توانند هر کدام یک دستگاه خودرو را بدون انتقال ارز وارد کشور کنند. البته تأیید نهایی موضوع ارزی بر عهده بانک مرکزی است.

وی در خصوص ورود خودروهای مناطق آزاد به سرزمین اصلی نیز اظهار کرد: تعیین تکلیف این موضوع نیازمند تصویب قانون از سوی مجلس است.

به گفته زارعی، در سال‌های گذشته احکامی در قوانین بودجه برای این موضوع وجود داشت اما بعداً حذف شد و اکنون در صورت تصویب قانون جدید، این ابهام برطرف خواهد شد. سخنگوی وزارت صمت در پایان ابراز امیدواری کرد با تنقیح و یکپارچه‌سازی قوانین حوزه خودرو، فرآیند اجرای مقررات شفاف‌تر و از تفسیرهای متفاوت دستگاه‌های اجرایی جلوگیری شود.

سخنگوی وزارت صمت گفت: بر اساس قوانین فعلی، واردات خودروی نو فقط از سوی اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است و اشخاص حقیقی تنها با رعایت شرایط مقرر می‌توانند خودروی کارکرده وارد کنند.

به گزارش مهر، عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، درباره مقررات واردات خودرو اظهار کرد: حقوق و عوارضی که برای واردات خودرو دریافت می‌شود، در قوانین مختلف پیش‌بینی شده و هر یک مبنای قانونی خود را دارد. تعدد قوانین در حوزه خودرو باعث شده مقررات پراکنده باشد و لازم است این قوانین در قالب یک قانون جامع جمع و تنقیح شوند تا همه ذی‌نفعان با مراجعه به یک قانون از تکالیف خود آگاه شوند.

وی در مصاحبه رادیویی افزود: بخشی از این عوارض، از جمله مواردی که در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، با هدف تأمین درآمدهای دولت وضع شده و وزارت صمت در تعیین این احکام نقشی ندارد.

زارعی با اشاره به قانون ساماندهی صنعت خودرو گفت: این قانون بسیاری از موضوعات از جمله تعرفه‌های واردات، اسقاط خودروهای فرسوده و الزامات مرتبط با واردات را مشخص کرده است.

سخنگوی وزارت صمت درباره امکان واردات خودرو توسط اشخاص حقیقی تصریح کرد: در شرایط فعلی، واردات خودروی نو صرفاً توسط اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است تا ارائه خدمات پس از فروش، تأمین قطعات و پاسخگویی به مصرف‌کنندگان تضمین شود.

وی ادامه داد: اشخاص حقیقی تنها می‌توانند مطابق ماده ۱۱ قانون ساماندهی صنعت خودرو، خودروی کارکرده وارد کنند که این موضوع نیز مستلزم احراز اصالت خودرو، سرقتی نبودن آن و دریافت تأییدیه‌های لازم از مراجع ذی‌ربط است و شرایط آسانی ندارد. زارعی همچنین درباره ایرانیان مقیم خارج از کشور گفت: ایرانیانی که تا پیش از تاریخ

سر مقاله

«باب‌المنذب» در معادله بازدارندگی



دکتر کامران کریمی / پژوهشگر مسائل خلیج فارس

اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اقدامی تلافی‌جویانه در پاسخ به حملات اخیر سعودی به صنعا تحلیل کرد. این تحول، در سطحی عمیق‌تر، نشانه فعال شدن دوباره یکی از مهم‌ترین گسل‌های امنیتی جنوب شبه‌جزیره عربستان است؛ گسلی که طی سال‌های گذشته، اگرچه از سطح جنگ تمام‌عیار به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» منتقل شده بود، اما هیچ‌گاه از میان نرفت.

اکنون، در شرایطی که جنگ ایران و آمریکا تنگه هرمز را به کنون بحران انرژی و امنیت دریایی تبدیل کرده است، باب‌المنذب نیز در حال تبدیل شدن به یک اهرم فشار ژئوپلیتیک است؛ اهرمی که ظرفیت آن را دارد تا منازعه یمن را از یک جغرافیای محلی و منطقه‌ای مجدداً به بخشی از یک معماری گسترده‌تر برای فشار جهانی تبدیل کند. فارن‌پالیسی در تحلیل اخیر خود با اشاره به اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی جنبش حوثی‌ها، این تحول را نقطه فشار تازه‌ای بر بازارهای جهانی انرژی ارزیابی کرده است؛ بازاری که پیش‌تر به دلیل اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز تحت فشار قرار گرفته است. اهمیت تحلیل فارن‌پالیسی در این است که تهدید باب‌المنذب را نه یک بحران مستقل، بلکه در امتداد بحران هرمز می‌بیند. به این معنا، اگر هرمز در شرق شبه‌جزیره عربستان به گلوگاه فشار بر صادرات انرژی تبدیل شده باشد، باب‌المنذب می‌تواند در غرب شبه‌جزیره به حلقه دوم همین زنجیره تبدیل شود.

در واقع، مساله اصلی نه صرفاً بسته شدن باب‌المنذب، بلکه ایجاد نااطمینانی پایدار در این ابراه است. تجربه حملات یمنی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ طی سال‌های گذشته نشان داد که بازاینگران غیردولتی برای اثرگذاری بر تجارت جهانی از مواهب توانایی بستن فیزیکی یک کابراه نیاز ندارند. کافی است سطح ریسک حمل و نقل دریایی، بیمه و امنیت کشتی‌ها به اندازه‌ای افزایش یابد که شرکت‌های کشتیرانی مسیر خود را تغییر دهند.

تحولات اخیر نیز از همین منطق پیروی می‌کند. روتیزر گزارش داده است که پس از هشدار حوثی‌ها، دو نفتکش حامل نفت خام عربستان مسیر خود را تغییر داده‌اند و یک نفتکش دیگر نیز از ادامه حرکت به سوی بندر یمنع منصرف شده است. بنابراین، محاصره پیش از آنکه به معنای حقوقی و نظامی آن تحقق پیدا کند، در حال تبدیل شدن به یک واقعیت اقتصادی و رفتاری است. برای فهم این تحول باید به زمینه‌گردگیری در یمن بازگشت. تحولات یک دهه گذشته در یمن نشان داد که نه مداخله نظامی توانست انصارالله را از معادله قدرت حذف کند و نه وندهای دیپلماتیک توانستند به یک توافق سیاسی جامع منجر شوند. نتیجه، شکل‌گیری نوعی وضعیت خاکستری بود که در آن جنگ به پایان نرسید، اما شکل آن تغییر کرد.

در این وضعیت، عربستان به تدریج از راهبرد مداخله مستقیم فاصله گرفت و تلاش کرد از طریق مذاکره و مدیریت تنش، هزینه‌های امنیتی و اقتصادی پرونده یمن را کاهش دهد. در مقابل، انصارالله توانست کنترل خود بر صنعا و بخش عمده‌ای از شمال و غرب یمن را تثبیت کند و از یک بازیگر محلی به یک بازیگر شبه‌دولتی با ظرفیت اثرگذاری منطقه‌ای تبدیل شود. از این منظر، در بحران یمن با نوعی منازعه چندسطحی مواجهیم که در آن بویایی‌های داخلی، رقابت ایران و عربستان و امنیت خطوط ارتباطی دریایی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. رصد تحلیل‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که روند صلح در یمن در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و تنش‌های نظامی و سیاسی بار دیگر افزایش یافته است. در همین چارچوب الجزیره تأکید کرده که تحولات جدید در یمن را نمی‌توان از بحران گسترده‌تر منطقه جدا کرد و باب‌المنذب به یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها با بقوه انصارالله در شرایط جدید تبدیل شده است.

از این منظر، اعلام محاصره دریایی را می‌توان نوعی بازدارندگی نامتقارن دانست. انصارالله در برابر برتری نظامی و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های، از جغرافیای یمن و موقعیت خود در ساحل دریای سرخ به عنوان یک مزیت استراتژیک استفاده می‌کند. منطق این بازدارندگی ساده است: اگر فشار نظامی و اقتصادی بر مناطق تحت کنترل حوثی‌ها افزایش یابد، هزینه آن می‌تواند از طریق تهدید امنیت تجارت و انرژی به رقیب منتقل شود. در چنین چارچوبی، محاصره بیش از آنکه یک عملیات کلاسیک دریایی باشد، یک پیام راهبردی است: انصارالله می‌خواهد نشان دهد که امنیت عربستان را نمی‌توان صرفاً در مرزهای زمینی این کشور تعریف کرد. این گروه با انتقال فشار از جبهه زمینی به حوزه دریایی، تلاش می‌کند آسیب‌پذیری‌های ساختاری اقتصاد عربستان را هدف قرار دهد؛ اقتصادی که بخش مهمی از قدرت آن به صادرات انرژی و امنیت مسیرهای دریایی وابسته است.

در اینجا پرسش مهم‌تری مطرح می‌شود: آیا اقدام انصارالله را باید بخشی از راهبرد منطقه‌ای ایران دانست یا تصمیمی مستقل از سوی این گروه؟ پاسخ، به نظر می‌رسد، در میانه این دوگانه قرار دارد. ساختار تصمیم‌گیری جنبش انصارالله نشان می‌دهد که این گروه را نمی‌توان صرفاً یک نیروی نیابتی یا تصمیم‌گیری کاملاً تابع تهران تلقی کرد. انصارالله منافع، محاسبات داخلی و اهداف سیاسی خاص خود را دارد و در بسیاری از موارد، از پیوند با ایران برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و داخلی خود استفاده می‌کند. این تمایز برای فهم بحران کنونی اهمیت زیادی دارد. اگر حوثی‌ها صرفاً مجری دستور تهران بودند، می‌توانستیم اقدام اخیر را مستقیماً بخشی از راهبرد ایران در جنگ با آمریکا تلقی کنیم، اما واقعیت پیچیده‌تر است.

از سوی دیگر، تهران نیز در شرایط فعلی انگیزه‌ای برای تخریب کامل مسیر تنش‌زدایی با ریاض ندارد. تبدیل بحران یمن به یک منازعه مستقیم ایران و عربستان می‌تواند کشورهای عربی خلیج فارس را بیش از گذشته به سمت همکاری امنیتی با آمریکا سوق دهد؛ نتیجه‌ای که با منافع راهبردی ایران سازگار نیست. با این حال، مساله اصلی در اینجا ریسک سرریز ناخواسته است. اگر یک نفتکش سعودی هدف قرار گیرد، اگر حملات به زیرساخت‌های بندری عربستان گسترش یابد، یا اگر ریاض به این جمع‌بندی برسد که امنیت انرژی آن به‌طور مستقیم هدف قرار گرفته است، فضای مانور دیپلماتیک کاهش خواهد یافت و در آن صورت، پرونده یمن می‌تواند بار دیگر به آزمونی برای روابط تهران و ریاض تبدیل شود. به عبارت دیگر، چالش اصلی برای روابط دو کشور نه‌الزام تصمیم‌گیران آگاهانه تهران برای تقابل با ریاض، بلکه عدم مدیریت زنجیره‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها است.